



فصل اوّل

ادبیات تعلیمی

درس یکم: کارگاہ متن پژوهی

گنج حکمت

درس دوم: کارگاہ

روان خوانی

پیش در آمد فصل: بحثی در ادبیات تعلیمی

ادبیات تعلیمی: نوشته‌ها و آثاری است که برای خواننده خود، پیام، دانش و معارفی را با هدف آموزش و تعلیم، بیان کند و یا آموزه‌هایی از قبیل علوم فلسفی، مذهبی، اخلاقی، اجتماعی و ... را انتشار دهد. بنابراین، آثاری که از جوهره ادبیات، مشحون و مسئله مورد بحث و تعلیم در قالب داستان، نمایش و شعر و غیره بیان شده باشد، از نمونه‌های ادب تعلیمی هستند؛ مثلاً مثنوی معنوی اثر حضرت مولانا و بوستان سعدی و حدیقه سنایی، آثاری ادبی و تعلیمی هستند. بدین ترتیب عرصه کاربرد اصطلاح ادب تعلیمی بسیار وسیع است.

ادبیات تعلیمی یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین انواع ادبی است که هدف اصلی آن آموزش است. این اصطلاح به دو معنای خاص و عام به کار رفته است:

۱ ادبیات تعلیمی در معنای خاص خود شامل دستورالعمل‌هایی بوده که به آموزش یک فن یا هنر خاص اختصاص داشته است. این نوع ادبیات در زبان فارسی نمونه‌هایی دارد از جمله: «نصاب الصبیان» ابونصر فراهی در لغت، دانشنامه میسری در داروشناسی و طب.

۲ در معنای عام به آثاری گفته می‌شود که موضوع آن مسائل اخلاقی، عرفانی، مذهبی، اجتماعی، پند و اندرز، حکمت و ... است.

امروزه وقتی از ادبیات تعلیمی سخن می‌گویند، منظور ادبیات تعلیمی در معنای عام است. آفرین‌نامه اثر ابوشکور بلخی و کلیله و دمنه منظوم رودکی که بیت‌هایی پراکنده از آنها باقی مانده است، از قدیم‌ترین نمونه منظومه‌های تعلیمی است که در زبان فارسی دری به جا مانده است؛ اما، نخستین اثر منظوم و مستقل فارسی در اخلاق، پندنامه نوشیروان است که بدایعی بلخی، معاصر سلطان مسعود، آن را سروده است. ادبیات تعلیمی را، به طور کلی، می‌توان به دو قسم اندرزنامه و اشارات اندرزی (که شاعران و نویسندگان در اثنای اثر خود بدان پرداخته‌اند) تقسیم کرد.

در اثر فارسی نیز نمونه‌های گران قدری در ادبیات تعلیمی وجود دارد که از معروف‌ترین آنها می‌توان به این آثار اشاره کرد: قابوس‌نامه از عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر؛ سیاست‌نامه اثر خواجه نظام‌الملک طوسی، نصیحة‌الملوک و کیمیای سعادت از امام محمد غزالی، مرزبان‌نامه اثر مرزبان بن رستم بن شروین پریم، بختیارنامه از دقایقی مروزی، اخلاق محسنی از ملاحسین کاشفی. این متون ادب فارسی، نشان‌دهنده اهمیت اخلاق در میان ایرانیان است.

اولین شاعری که قطعاتی در وعظ و حکمت از او باقی مانده «رودکی» شاعر قرن چهارم است که منظومه «کلیله و دمنه» به او منسوب است. از معاصران او نیز که به سرودن شعر تعلیمی روی آوردند می توان به «شهید بلخی» «ابوشکور بلخی» و «دقیقی طوسی» اشاره کرد. «شاهنامه فردوسی» با آنکه یک اثر حماسی است از نصایح و مواعظ و اندرز بی بهره نمانده است. کسایی مروزی شاعر قرن چهارم و اوایل پنجم، نیز از مدیحه سرایی توبه کرد و به شعر تعلیمی روی آورد. «ناصر خسرو قبادیانی» شاعر اواخر قرن پنجم را می توان پیشوای شعر تعلیمی به شمار آورد که هدفش جز تعلیم و دعوت به اخلاق و تزکیه و تهذیب چیزی نبوده است. از اوایل قرن ششم هجری «سنایی غزنوی» باب جدیدی را در سرودن اشعار حکیمانه و عارفانه باز می کند. وی معانی حکمی و عرفانی را آمیخته با اندرز و نصیحت با عبارات فصیح و خیالات عالی و تعبیرات کم نظیر همراه می آورد. او در آثار مشهور خود مانند «سیرالعباد الی المعاد» «طریق التحقیق» و «حدیقه الحقیقه» در همان حال که به نکات عمیق عرفانی توجه دارد، متمایل به وعظ و نصیحت در راهنمایی اجتماعی نیز هست. گروهی از مشاهیر نظیر «جمال الدین اصفهانی» و «خاقانی شروانی» در سرودن قصاید حکمی و «نظامی گنجوی» در مثنوی «مخزن الاسرار» از سنایی غزنوی استقبال کرده اند. نظامی گنجوی بهترین شاعری است که بعد از سنایی در ایجاد منظومه های حکمی و تعلیمی توفیق یافت. در پایان قرن ششم و اوایل قرن هفتم «عطار» با مثنوی های ساده و آموزنده، این نوع شعر را با قوت تمام ادامه داد که «منطق الطیر» و «الهی نامه» و «مصیبت نامه» از آثار ارزشمند او در این زمینه است. وعظ و حکمت در قطعات نیز دیده می شود که شاعران، مسائل اجتماعی و حکمی را در نهایت شیوایی بیان می کردند.

از شاعران قطعه سرا می توان به «ابن یمن» و در عصر حاضر به «پروین اعتصامی» اشاره کرد. «سعدی شیرازی» شاعر قرن هفتم بزرگ ترین شاعر اخلاقی و اجتماعی ادب فارسی است که به نوعی بسیار برجسته و بارز سخنان خود را به وعظ و اندرز می آراید. او نه تنها در گلستان خود که به نظم و نثر آمیخته بلکه در بوستان و قصایدش مسائل اخلاقی را با نظم و تحت عناوین مختلف و با ایراد امثال و حکایات دلنشین مطرح می کند. از قرن هشتم هجری اشعار حکیمانه و وعظ و اندرز با نوع دیگر شعر یعنی عرفان آمیخته شد، چنان که در آثار بعضی از شاعران جدا کردن عرفان و حکمت و پند از یکدیگر دشوار است. مثلاً «حدیقه الحقیقه» و «مخزن الاسرار» نظامی مضامین متنوع و دلپذیری را در خود جای داده است. شاعر بزرگ دیگر این قرن «حافظ شیرازی» است که از راه انتقاد دردهای زمان خود را درمان می کند. در قرون بعدی، دوره صفوی یکی از دوره های شعر تعلیمی است؛ ظهور دولت مذهبی شیعه، مهم ترین عاملی بود که باعث درخشش و اهمیت این نوع شعر در این دوره شد. از پیشگامان شعر تعلیمی این دوره «عرفی شیرازی» (۹۹۹ هجری) است که در شعر او حکم و مواعظ بسیاری دیده می شود. «صائب تبریزی» (۱۰۸۱ هجری) نیز مفاهیم تعلیمی و مذهبی بسیاری به تصویر می کشد. در دوره مشروطه افکار و عقاید اجتماعی جدید رونق گرفت تا آنجا که

گروهی از شاعران به انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی پرداختند که اشعار آنان در ایجاد اصلاحاتی که به تدریج در ایران صورت گرفت، بی‌تأثیر نبود. «ادیب‌الممالک فراهانی»، «اشرف‌الدین گیلانی»، «بهار» و «پروین اعتصامی» از زمره این شاعران بودند.

درس یکم

چشمه

نمایه درس

محتوا: (متن، تصویر)، بیان درو نمایه «پرهیز از خودستایی» در قالب شعری مثنوی

قلمرو فکری

دریافت مفهوم و پیام شعر، بازگردانی بیت به نثر امروزی، مقایسه دو شعر از سعدی و نیما و انتخاب شخصیت‌های شعری نیما.

قلمرو ادبی

تشخیص آرایه‌ها (ممارست نماد، کنایه، تشبیه، تشخیص، جناس، مراعات نظیر و آموزش حس آمیزی در تمرین‌های پیش بینی شده).

قلمرو زبانی

روابط معنایی (ترادف)، تحوّل معنایی واژگان، ساختار معیار جمله‌های فارسی، نقش گروه اسمی در جمله

هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی با واژگان و ترکیب‌های جدید متن درس (علم)
- ۲ توانایی درک پیام‌های آموزشی و اخلاقی متن درس (تفکر)
- ۳ توانایی انجام فعالیت‌های پیش‌بینی شده در قلمروهای سه گانه کتاب فارسی (عمل)
- ۴ تقویت علاقه نسبت به هنجارهای مناسب اجتماعی (اخلاق)
- ۵ باور به منش فروتنی و دوری از رفتار ناپسند خودستایی (اخلاق)
- ۶ کاربرد آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)

روش‌های تدریس پیشنهادی

- کارایی گروه؛
- ایفای نقش؛
- بحث گروهی و ...

رسانه‌های آموزشی

کتاب درسی، کتاب اشعار نیما، فیلم‌های کوتاه مرتبط با محتوا و پیام درس، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و ...

جستاری در متن

- «چشمه» شعری نمادین است. نمادها عبارت‌اند از :
 - چشمه؛ نماینده فردی ضعیف و ناتوان، اما پرهیاهو و مغرور و خودشیفته است.
 - سنگ؛ نماد افراد ایستا، خنثی و بی‌نقش و بی‌رمق.
 - بحر یا دریا نماد افراد دریاصفت و اقیانوسی، که طبع و منشی بلند دارند. عظیم و آرام‌اند.
- نیما یوشیج این سروده را در قالب مثنوی سروده است و حکایتی را تصویر می‌کند که در ادب تعلیمی فارسی، نمونه‌هایی از آن می‌توان یافت.
- واژگان، ترکیب‌ها و آرایه‌های قابل تأمل شعر عبارت‌اند از :
 - غلغله‌زن : در حال غُل غُل زدن و خروشان.
 - چهره‌نما : خودنما، در حال خودنمایی.
 - تیزپا : تندرو، شتابان.
 - کف بر دهان زدن : کنایه از خشمگین شدن، مستی و نشاط و نیرومندی است.
 - گلبن : اسم مرکب از (گل + بن)، درخت یا بوته گل سرخ.
 - سعدی : «چو از گلبنی دیده باشی خوشی روا باشد ار بار خارش کنی».
- شکن از سر موی گشادن : کنایه از گشودن پیچ و شکنج زلف و نمایان کردن رخسار، پرده از رخسار برگرفتن، صاف و زلال شدن.
 - سر به گریبان بردن : کنایه از کنار کشیدن و عزت گرفتن، خموشی گزیدن.
 - پرده نیلوفری : استعاره از آسمان آبی.
 - همسری کردن : کنایه از برابری کردن، مقابله و رویارویی.
 - دیده سیاه کردن : کنایه از خشمگین شدن، حالت عصبانیت به خود گرفتن.
 - زهره در شدن : کنایه از ایجاد وحشت کردن، سبب ترس شدن، هراس‌انگیز.
 - یله دادن تن : لمیدن، تکیه دادن به چیزی به نحوی که بدن در حال استراحت کامل قرار گیرد.

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ میدان جنگ : معرکه // جرئت : زهره // شیوه : نَمَط // کمیاب : نادره.

۲ همسری : رقابت و برابری // راست : عیناً، درست.

معنای مختلف «همسری»

■ برابری و مساوات :

نحس شاگردی که با استاد خویش همسری آغازد و آید به پیش

(مولوی)

■ همسری جستن :

خود را برتر از دیگران دیدن، کوشش برای برابر شدن با کسی.

کسی کاو با من اندر علم و حکمت همسری جوید همی خواهد که گل بر آفتاب روشن انداید

(ناصرخسرو)

■ زناشویی، ازدواج :

پذیرفت شاهنشاه از مادرش نهاد افسر همسری بر سرش

(نظامی)

معنای مختلف کلمه «راست»

■ طرف راست، جانب راست، مقابل چپ.

بر او راست خم کرد و چپ کرد راست (فردوسی)

ماهی که قدش به سرو می ماند راست آینه به دست، روی خود می آراست

(حافظ)

گر راست سخن گویی و در بند مانی به زان که دروغت دهد از بند رهایی

(سعدی)

۳ چشمه‌ای غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزیا از سنگی جدا گشت.

■ یکی چشمه (چشمه‌ای) : نهاد

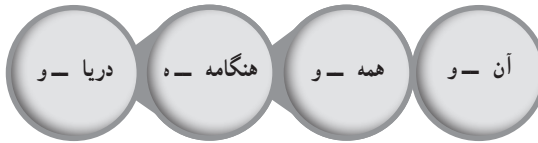
■ غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزیا : قید حالت

■ سنگی : متمم . «ز» یا «از» نشانه متمم.

۴ آن همه هنگامه دریا.

زمانی که چشمه کوچک، آنجا رسید و آن همه هنگامه دریا را دید.

در این گروه اسمی، «هنگامه» هسته است که وابسته‌های پیشین و پسین هم دارد.



قلمرو ادبی

۱- بیت اول

■ تشخیص : ماه (داشتن «رخ» و «عمل دیدن» به ماه نسبت داده شده است). چشمه (داشتن «مو» و «گشودن مو») به چشمه نسبت داده شده است).

■ کنایه : مصراع اول : گشودن شکن مو : صاف و زلال شدن چشمه.

■ مراعات نظیر : سر، رخ، مو، شکن.

بیت دوم :

■ تشبیه : مصراع اول و دوم (من گاهی مانند صدف و گاهی مانند تیر هستم)

■ جناس ناهمسان : صدف، هدف

■ تناسب : تیر و هدف.

■ تشخیص : کف بر دهان زدن صدف.

۲ چشمه، نماینده افراد ضعیف و ناتوان، اما پریهاهو و مغرور و خودشیفته است.

۳ سر به گریبان بردن : شرمنده شدن، سرافکنندگی، به فکر فرو رفتن، گوشه‌گیری کردن (در متن درس :

به علت شرمندگی، خود را پنهان کردن و کنایه از کنار کشیدن و عزت گرفتن، خموشی گزیدن).

۴ شیرین سخن، در بیت پایانی :

لیک چنان، خیره و خاموش ماند کز همه شیرین سخنی گوش ماند
توضیح: «شیرینی» را حس چشایی، درک می‌کند، «سخن» را حس شنوایی. در ترکیب و باهم‌آیی «شیرین‌سخن»، دو حس چشایی و شنوایی با هم پیوند می‌خورند و آرایه «حس‌آمیزی» را پدید می‌آورند.
 به نمونه‌های زیر، بنگرید:

نگر تا چه گوید سخن‌گوی بلخ که باشد سخن‌گفتن راست تلخ
 (فردوسی)

اگرچه تلخ باشد، فرقت یار در او شیرین بود، امید دیدار
 (فخرالدین اسعد گرگانی)

بوی دهن تو از چمن می‌شنوم رنگ تو ز لاله و سمن می‌شنوم
 (مولوی)

بوی بهبود ز اوضاع جهان می‌شنوم سادی آورد گل و باد صبا شاد آمد
 (حافظ)

قلمرو فکری

- ۱ چشمه با دیدن عظمت دریا، مبهوت شده و به حقارت و کوچکی و ناچیزی خود در برابر دریا پی برد، سکوت پیشه کرد و غرور و خودبینی را کنار گذاشت.
- ۲ آن دریا فریاد می‌کنشید به گونه‌ای که فریادهایش گوش آسمان را گز می‌کرد. نگاه خشم‌آلود و ترس‌آور داشت و بسیار بیمناک شده بود.
- ۳ «چشمه» در آغاز شعر نیما، نماد افراد مغرور و خودخواه بود، آن چنان که خود را برتر از همه پدیده‌ها می‌دانست؛ ولی در شعر سعدی قطره باران، از همان ابتدا با دیدن دریا، فروتنی و تواضع اختیار کرد. در شعر سعدی، قطره باران در مقابل عظمت دریا، فروتنی می‌کند و چون خودش را پست و بی‌ارزش می‌بیند، به مقام ارزشمند می‌رسد؛ اما در شعر نیما، چشمه، مغرور است و خودش را برتر از دیگران می‌بیند و زمانی که با دریای طوفانی و سهمگین رویارو می‌شود، می‌خواهد از دریا دوری کند و خود را نجات دهد؛ اما چنان در برابر عظمت دریا مبهوت و حیران می‌ماند که چاره‌ای جز سکوت و تسلیم شدن ندارد. قطره باران، نماد انسان‌های خاکسار و رشد یافته است. چشمه، در پایان در برابر عظمت دریا، مبهوت ماند و به جای اظهار وجود، به ناچار سکوت کرد و غرور را کنار گذاشت.

۴ فعالیت‌های دانش‌آموزی.

پاسخ، واگراست. در این‌گونه فعالیت‌ها مهم نیست که پاسخ نخست چیست؛ آنچه اهمیت دارد، استدلال‌هایی است که افراد برای پاسخ و انتخاب خویش بیان و تدوین می‌کنند. از استدلال اشخاص، می‌توان به چگونگی درک و دریافت و توانایی تفکر آنان نیز پی برد.

۵ نقطه‌چین‌ها در پرسش‌های پایانی به معنای باز بودن دامنه پرسشگری در نگاه مؤلفان است. پرورش روحیه پرسشگری و رسیدن به مهارت پرسش‌سازی، از اهداف بسیار مهم برنامه درسی فارسی است که هم در این کتاب و هم در کتاب «نگارش» بدان تأکید شده است.

بنابراین، باید به گروه‌های دانش‌آموزی یا به صورت فردی، برای پرسش‌سازی فرصت دهیم و به طور جدی، پرسش‌ها را بررسی کنیم و بخواهیم چرا این پرسش را بیان کرده‌اند و خواست آنان از این پرسش چه بود.

آگاهی‌های فرامتنی

شعر نیمایی تفاوت‌های آشکاری از نظر ساختار و شیوه بیان با اشعار سنتی دارد تا جایی که حتی مضامین مشترک نیز به گونه‌های مختلفی در این دو نوع شعر بیان می‌شود. در اشعار سنتی نیما، ادبیات تعلیمی به شکلی صریح، موجز، موعظه‌وار و با قابلیت ارسال المثل و بیشتر مواقع در قالب حکایت‌های اخلاقی و به صورت نتیجه‌گیری بیان شده تا حدی که جنبه تعلیمی شعر بر عناصر دیگر برتری یافته است اما در اشعار نو، آموزه‌های اخلاقی در پس‌زمینه شعر قرار گرفته است و با عناصر دیگر مثل عاطفه، تصویر، روایت، گفت‌وگو، تجربه شاعرانه و ... درآمیخته است.

ادامه سروده نیما با عنوان، چشمه کوچک

خلق همان چشمه جوشنده‌اند	بیهوده در خویش هروشنده‌اند
یک دو سه حرفی به لب آموخته	خاطر بس بی‌گنهان سوخته
لیک اگر پرده ز خود بردرند	یک قدم از مقدم خود بگذرند
در خم هر پرده اسرار خویش	نکته بسنجدن فزون‌تر ز پیش
چون که از این نیز فراتر شوند	بی‌دل و بی‌قالب و بی‌سر شوند
درنگرند این همه بیهوده بود	معنی چندین دم فرسوده بود

آنچه شنیدید ز خود یا ز غیر
 بود کم از مدت آن یا مدید
 و آنچه بگردند ز شر و ز خیر
 عارضه‌ای بود که شد ناپدید
 و آنچه به جا مانده بهای دل است
 کان همه افسانه بی حاصل است.

روش‌های فعالیت محور

روش‌های فعالیت محور و گروهی به مطالعه، کار و تجربه نیازمند است. معلمانی که در این روش‌ها تجربه اندوخته‌اند، لذت آن را یافته و محیط آموزشی خود را پویاتر ساخته‌اند. مطالعه یافته‌های زیر در باره کار گروهی، راهی به مقصود است:

ایجاد ارتباط و انگیزه

تقویت و برانگیختگی روانی دانش‌آموزان از طریق فعالیت جمعی و خواندن یکی از سروده‌های نیما یا بخش سروده از طریق نوارهای صوتی مجاز، پرسش‌های مناسب در زمینه شعرهای تعلیمی در بدو ورود به کلاس و ایجاد ارتباط عاطفی بین دانش‌آموزان پیشنهاد می‌شود.

ویژگی‌های روش‌های فعالیت محور

روش‌های مذکور، گروه‌های دانش‌آموزی را به صورت گروه، شماره و اسم معرفی می‌کند. چرا که این روش در بین گروه‌ها یک نوع نظام مدیریتی منظم و سازمان‌یافته ایجاد می‌کند که نه تنها باعث بالا بردن همکاری‌های متقابل در فراگیران می‌شود، بلکه از بروز بی‌نظمی، جلوگیری می‌کند. تأثیر دیگر این روش‌ها شناسایی و دسترسی سریع معلم به اعضای گروه می‌باشد. آموزش‌های گروهی، فرایندی است که از طریق آن می‌توان فعالیت‌های گروهی را که مستلزم کار جمعی است، به حداکثر رساند. اکنون به برخی از برتری‌های این روش‌ها اشاره می‌شود:

- ۱ پیشرفت تحصیلی؛
- ۲ تفکر نقادانه؛
- ۳ تعامل گروهی؛
- ۴ خودباوری؛
- ۵ نگرش‌های مثبت؛
- ۶ احترام متقابل؛

۷ مسئولیت پذیری؛

۸ همبستگی درونی؛

۹ نقد کار گروهی و ...

گروه بندی

تشکیل گروه‌ها: برای بار اول ممکن است که معلم اجازه دهد تا دانش آموزان خود گروه‌ها را تشکیل دهند. در تشکیل گروه‌ها سعی می‌شود از گروه‌های ناهمجنس (به لحاظ فیزیکی - علمی - سنی) استفاده گردد. از راه‌های تشکیل گروه‌ها به صورت ناهمگون روش‌های زیر پیشنهاد می‌شوند:

۱ نظرخواهی از دانش آموزان

۲ از طریق اخذ آزمون‌های متعدد

۳ انتخاب از سوی راهنمای آموزش.

تشکیل گروه‌ها از طریق آزمون یکی از مناسب‌ترین روش‌ها به حساب می‌آید، بدین صورت که بعد از چند ارزیابی و کسب میانگین نمرات، دانش آموزان را رتبه‌بندی کرده و برای یک گروه چهار نفری، یک نفر از بالاترین درجه، یکی از پایین‌ترین درجه و دو نفر از میانه نمرات بالا و پایین انتخاب می‌شوند. این کار تا تشکیل کامل گروه‌ها ادامه می‌یابد.

روش پرسش و پاسخ: با استفاده از این روش معلم می‌تواند در پایان هر بیت از شعر سؤالی را درباره موضوع آن بند مطرح کند و از دانش آموزان بخواهد بعد از تفکر و تجزیه و تحلیل بیت، پاسخ خود را ارائه دهند. این روش مهارت و دقت گوش دادن و قدرت بیان دانش آموز را تقویت می‌کند و قدرت تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی او را بالا می‌برد. طرح سؤال از جانب معلم و تجزیه و تحلیل دانش آموز سبب درک و فهم بیشتر و بهتر معنی و مفهوم شعر خواهد شد.

روش بحث گروهی: این شعر از نظر اخلاقی و تربیتی شعر مناسبی است و اصول ارزشمندی را که انسان برای پیشبرد زندگی خود به آن نیازمند است، در خود جای داده است و به دلیل موضوع مطرح شده، شرایط لازم را دارد تا با احساسات و عواطف قلبی و اندیشه دانش آموز ارتباط برقرار کند و از جانب آنان مورد تجزیه و تحلیل و نقد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین روش بحث گروهی، روش سودمندی برای ارائه آن است.

معلم می‌تواند دانش آموزان را به گروه‌های مختلف تقسیم کند و با طرح سؤالات گوناگون از موضوع شعر، این فرصت را برای دانش آموزان ایجاد کند که وارد بحث شوند و با یکدیگر به تبادل نظر بپردازند و در پایان با بیان نظر از سوی نماینده گروه‌ها، دانش آموزان بتوانند نظر یکدیگر را تصدیق یا رد کنند. با این روش می‌توان شیوه درست کار گروهی را نیز به آنان آموخت.

روش کارایی گروه: معلم دانش‌آموزان را به گروه‌های مختلف تقسیم می‌کند و متن را در اختیار گروه‌ها قرار می‌دهد تا صامت‌خوانی کنند، سپس پرسش‌های مناسب در اختیار گروه قرار می‌دهد. دانش‌آموزان به طور فردی پاسخ پرسش‌ها را آماده می‌کنند و در گروه خود به بحث و تبادل نظر می‌پردازند و از طرف اعضای گروه، آن نظر تأیید یا رد می‌شود. (بحث و تبادل نظر در داخل خود گروه انجام می‌شود) در پایان معلم است که با توجه به متن، پاسخ پایانی و درست را بیان می‌کند.

روش قضاوت عملکرد: برای تدریس این درس روش قضاوت عملکرد می‌تواند شیوه خوب و مناسبی باشد. به نظر می‌رسد دانش‌آموزان خیلی راحت می‌توانند با موضوعات مطرح‌شده ارتباط برقرار کنند. معلم با طرح این سؤال که آیا از دیدگاه آنان، این شعر یک شعر خوب و دلنشین تلقی می‌شود یا نه؟ چرا؟ با نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل و ارائه ملاک‌های ارزیابی و قضاوت، شیوه نقد را به آنان می‌آموزد.

با توجه به اینکه شعر و ادبیات نیاز روحی است که بشریت به آن احتیاج دارد و از آنجا که دوستی و روابط دوستانه داشتن همیشه ضرورت دارد و سلامت روحی افراد در گرو ارتباط دوستانه داشتن است و انسان با تنها زندگی کردن و در کنج انزوا نشستن نمی‌تواند خودش را بشناسد و باید خود را در آینه وجود دیگران ببیند، پس همیشه سعی می‌کند راه‌هایی برای حفظ بهتر و بیشتر این نوع پیوندها در پیش بگیرد. طرح و بیان این موضوعات (عاطفی و اخلاقی) نزد همگان مقبولیت خاص دارد، پس این شعر جزء آن دسته از شعرهایی است که بر دل می‌نشیند و هر دانش‌آموز قادر خواهد بود بر اساس نظر و سلیقه و خصوصیت اخلاقی و رفتاری خود آن را مورد ارزیابی قرار دهد و بر اساس معیارهای علمی و روان‌شناسانه و معیارهای عاطفی و احساسی نظرات متفاوتی ارائه دهد.

روش واحدکار: در ارزشیابی پایانی درس می‌توان از این روش و شیوه استفاده کرد و از دانش‌آموزان خواست تا درباره محتوا و پیام این درس و درباره زندگی و شخصیت خود شاعر تحقیق کنند.

سیاهه درجه‌بندی رفتار

دیران محترم در کار بست روش‌های گروهی، افزون بر ارزشیابی‌های رایج از روخوانی و روان‌خوانی، درک مطلب، معانی ترکیبات و واژه‌های جدید، قلمروهای زبانی، ادبی و فکری، می‌توانند از سیاهه درجه‌بندی رفتار نیز بهره بگیرند.

نمونه‌ای از مقیاس درجه‌بندی رفتار :

نام دانش‌آموز..... کلاس..... مدرسه..... شماره و ردیف دانش‌آموز
در دفتر : ماه :

انتظارات	عالی (۵)	خیلی خوب (۴)	خوب (۳)	متوسط (۲)	نیازمند تلاش (۱)
در فعالیت‌های گروهی شرکت می‌کند.					
در انجام فعالیت‌ها از خود خلاقیت نشان می‌دهد.					
به ایجاد تفکر و تولید دانش می‌پردازد.					
از مهارت گوش کردن به خوبی بهره می‌گیرد.					
از مهارت خوب سخن گفتن، استفاده می‌کند.					
در انتقال پیام از مهارت‌های غیرکلامی نیز بهره می‌گیرد.					
جمع هر ستون					
امتیاز نهایی					

* می‌توان بر معیارها و سنج‌های بالا، بنابر تشخیص و توجه به شرایط، معیارهای دیگری نیز افزود.

گنج حکمت: خلاصه دانش‌ها

توجه : در گنج حکمت‌ها هم می‌توان متن را در سه قلمرو بررسی کرد، اما نیازی به این کار نیست. اگر کردید و می‌کنید، کاری نیکو است، به خطا نرفته‌اید؛ اما خواست ما این نبوده و نیست، پس کار شما، کاری افزون و به بیان قدما «برسری» است.

نام این بخش (گنج حکمت)، گویای هدف هم هست. بر سر گنج و گنجدان که رسیدیم، دیگر به نقش و نگار گنجه و گنجینه، نمی‌پردازیم؛ این کار ما را از اصل باز می‌دارد. اصل چیست؟ رسیدن به گنج معنی و حکمت ارزشمند آن.

پس خوانش را به حلقه ادراک می‌پیوندیم و به سراغ درک و دریافت گنج محتوایی می‌رویم. در این کار، لازم است به گروه‌های دانش‌آموزی فرصت بحث و گفت و پرسش‌سازی بدهیم تا دریافت‌های خود را با استدلال بیان کنند.

درس دوم از آموختن ننگ مدار

نمایه درس

محتوا: آموزه‌های اخلاقی و تربیتی (دوری از ریا، دادگری، امید، احترام به دیگران، علم‌آموزی) در قالب نثر تاریخی

قلمرو فکری

متن کاوی، درک و دریافت مفهوم جمله‌ها

قلمرو ادبی

مَثَل، ویژگی‌های نثر قابوس‌نامه

قلمرو زبانی

روابط معنایی ترادف، تضاد، هم‌ریشگی، ساخت واژه، فعل امر، ساخت منفی و فعل مضارع

هدف‌های آموزشی

- ۱ آشنایی بیشتر با آموزه‌های اخلاقی در آثار کهن ادب فارسی (علم)
- ۲ درک و خوانش نثر تاریخی قابوس‌نامه با لحن مناسب (عمل)
- ۳ تقویت هنجارهای اخلاقی متناسب با متن درس (اخلاق)
- ۴ ارج نهادن به الگوهای اخلاق دینی، ملی و اجتماعی (اخلاق)
- ۵ توانایی درک بخش‌های زبانی و ادبی متن درس (تفکر)
- ۶ کاربست آموزه‌های محتوایی متن درس در حوزه قلمروهای زبانی، ادبی و فکری (عمل)
- ۷ توانایی درک پیام‌های آموزشی و اخلاقی متن درس (تفکر).

روش‌های تدریس پیشنهادی

- بحث گروهی؛
- روشن‌سازی طرز تلقی؛
- کارایی گروه و ...

رسانه‌های آموزشی

کتاب درسی، عکس، فیلم‌های کوتاه مرتبط با محتوا و پیام درس، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مناسب و

جستاری در متن

متن «از آموختن ننگ مدار» برگرفته از کتاب «قابوس‌نامه» است که نوع نثر آن مرسل، ساده و تاریخی است. واژه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌هایی که به هنگام تدریس ممکن است نیاز به شرح و توضیح داشته باشند، عبارت‌اند از:

- نمای، نمودی، نموده از مصدر نمودن و نمایاندن به معنی نشان دادن، ارائه دادن و واضح ساختن است. نمایاندن، متعدی فعل نمودن است.
- گندم‌نمای جوفروش: مثلی است دربارهٔ افراد متقلب که جنس مرغوبی را نشان داده اما هنگام تحویل، نامرغوب آن را به خریدار می‌دهد؛ گندم‌نمایی: ربا و دورویی.
- داد از تن خویشتن دادن: محاسبهٔ نفس کردن (حاسبوا نفسک قبل ان تحاسبوا)، حق خود را بگیرد و تکلیف خویش را به جای آورد، به انصاف و عدالت رفتار کند.
- تیمار داشتن: مراقبت کردن و محافظت نمودن.
- نومیدی را در امید بسته دان و امید را در نومیدی وابسته امید است و امید به ناامیدی (وابسته است).

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

- ۱ الف) داد (اَوَّل): حق همه چیز داد. // (دوم): ارائه کرد، نشان داد.
- ب) نهاد (اَوَّل): سرشت، ذات و نهاد. // (دوم): قرار داد، گذاشت.

■ نمونه‌هایی برای کاربرد واژه «داد»

- | | |
|-----------------------------|----------------------------|
| خرد بهتر از هر چه ایزدت داد | ستایش خرد را به از راه داد |
| چو در داد شه آورد کاستی | بیچند سر هر کس از راستی |
- (فردوسی)
- (اسدی)

■ نمونه‌هایی برای کاربرد واژه «نهاد»

نهاد: گذاشت، گذاشتن، مقابل برداشتن؛

نهاد: سرشت، طبع؛

همه رای تو برتری جستن است نهاد تو همرنگ اهریمن است

(فردوسی)

بیرون همه صفا و درون تیره گویی نهاد آینه‌سان دارند

(خاقانی)

۲ غم و شادی، نیک و بد، حق و باطل، هنر و عیب، ایمن و نایمن، شادان و اندوهگین، نومیدی و امید.

۳ حرمت: احترام، حریم، حَرَم، محَرَّم، حرام.

// مقدار: مُقَدَّر، قدر، تقدیر، قادر.

// مستغنی: غنی، غنا، استغنا، اغنیا.

۴ واژه از دید ساختار برون‌ی و ظاهری در زبان فارسی، در نگاه نخست، به دو رده بخش می‌شود:

الف) ساده، مانند «مردم، زبان، داور، غم و نیک».

ب) غیرساده، مانند «مردمان، نیکی، ناامید، جوفروش».

در مرحله دوم، غیرساده‌ها را از دید کارکرد و ند، به دو دسته تقسیم می‌کنیم:

■ صرفی، مانند مردمان (نشانه‌های جمع، نشانه‌های صفت برتر و عالی، یای نکره، وندهای صرف فعل

و...)

■ اشتقاقی، مانند نیکی (فراوان هستند و دامنه بسیار فراخی دارند).

■ اکنون در نگاهی عام، غیرساده‌های غیرصرفی را بررسی و بخش‌بندی می‌کنیم:

■ مشتق، مانند نیکی؛ (نیک + ی)، ناامید (نا + امید)، بازگشت (باز + گشت)

■ مرکب، مانند جوفروش (جو + فروش)؛ حق‌شناس (حق + شناس)؛ خوشتن (خویش + تن)

■ مشتق - مرکب، مانند جوفروشی (جو + فروش + ی) این واژه در درس نیامده، فقط نمونه آوردیم.

■ بنابراین، کلماتی مانند «گل‌ها و خوب‌تر»، از دید ساخت، غیرساده صرفی هستند.

غیر ساده			ساده
غیر صرفی		صرفی	مردم
مشتق = م - م	مرکب	مشتق	مردمان
-	جوفروش	نیکی	
-	حق شناس	ناایمن	-
-	خویشتن	بازگشت	-

۵

مضارع اخباری	ساخت منفی	امر	فعل
می شنوی	نشینیده بودی	بشنو	شنیده بودی
می رود	نمی رود	-	دارد می رود
می پرسند	نخواهند پرسید	-	خواهند پرسید

توجه: در ستون «امر»، ردیف دوم و سوم، می توان نوشت «برود» و «پرسند»، اما باید بدانیم که در ساخت امری، این صیغه ها کاربرد ندارند. به بیان دیگر، در زبان فارسی امروز، فعل امر فقط در دو ساخت دوم شخص مفرد و جمع، کاربرد دارد.

منفی کردن فعل ها

در فارسی امروز، هر فعلی را می توان با آوردن تکواژ منفی ساز «ن» منفی کرد. تلفظ این تکواژ «نَ» است اما اگر پیش از «می» بیاید، «نِ» تلفظ می شود. این تکواژ همیشه پیش از فعل اصلی می آید اما در فعل های آینده و مجهول پیش از فعل معین قرار می گیرد:

نگفتم، نگفته ام، نگفته بودم، نگفته باشد، نمی گفتند / نخواهم گفت، گفته نشد.
 هنگام پیوستن تکواژ «ن» به فعل، اگر تکواژ «ب» همراه فعل باشد، حذف می شود: برو ← نرو، بیایند ← نیایند، بگوئیم ← نگوئیم.

زمان‌های مستمر (ملموس) صورت منفی ندارند و برای منفی کردن آنها از معادل‌های غیرمستمر استفاده می‌شود:

بهرام دارد نامه می‌نویسد (مضارع مستمر) بهرام نامه نمی‌نویسد (مضارع اخباری)
 بهرام داشت نامه می‌نوشت (ماضی مستمر) بهرام نامه نمی‌نوشت (ماضی استمراری)
 تکواژ «ن» در فعل‌های پیشوندی همیشه پس از پیشوند می‌آید:
 خورشید هنوز برنیامده بود. لاک‌پشت سر از آب درنیاورد. ماهی هنوز لقمهٔ اول را درست فرو نبرده بود.
 تکواژ منفی‌ساز «ن» در فعل‌های مرکب، پیش از جزء صرفی می‌آید:
 نگاه نداشت. دوست نداشت. فرود نیامد. سردرنیاورد (ر. ک دستور زبان فارسی، محمد جواد شریعت).

قلمرو ادبی

۱ کارکرد «مَثَل» در کلاس:

- دلنشین و تأثیرگذار کردن سخن،
- ایجاز و کوتاه سخنی، تأکید بر مفهوم،
- محسوس و ملموس کردن مفاهیم ذهنی.
- افزایش تأثیر سخن بر مخاطب.
- به تفکر واداشتن مخاطب.

۲ ویژگی‌های تتر این درس:

- ساده و روان بودن متن،
- کوتاهی جمله‌ها،
- کمی واژگان غیر فارسی (عربی).
- تکرار کلمه‌ها،
- استفاده از ضرب المثل،
- بهره‌گیری از تضادهای فراوان.

قلمرو فکری

۱ زود تحت تأثیرپذیری قرار نگرفتن (به هر نیک و بد، زود شاد و زود اندوهگین مشو، که این فعل کودکان باشد).

۲ خویشتن داری؛ پرورش قدرت تحمل و شکیبایی؛

۳ فریب کاری، تظاهر و ریاکاری؛

۴ به هر نیک و بد، زود شادان و زود اندوهگین مشو.

آگاهی‌های فرامتنی

«قابوس‌نامه» کتابی است تعلیمی در آیین زندگی، اثر امیر عنصرالمعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار و تألیف آن به سال ۴۷۵ قمری است.

نام کتاب قابوس‌نامه از نام مؤلف که در تاریخ به «قابوس دوم» معروف است، گرفته شده است. وی این کتاب را به نام فرزندش گیلان‌شاه در ۴۴ فصل به قصد پند و اندرز و همچنین برای تربیت فرزند در رسوم لشکرکشی، مملکت‌داری، آداب اجتماعی و دانش و فنون متداول نوشت. سبک نگارش کتاب به نثر مُرسَل یا نثر ساده و بی‌پیرایه، معمول قرن‌های چهارم و پنجم هجری قمری است.

روان خوانی: خسرو

برخی از واژگان متن :

ارتجالاً: بی‌درنگ، بدون اندیشه سخن گفتن یا شعر سرودن. // تقریر: بیان، بیان کردن. // مفتول: سیم، رشته فلزی دراز و باریک. // زنگاری: منسوب به زنگار، سبزرنگ. // ملتفت شدن: آگاه شدن، متوجه شدن. // لا جرم: ناچار، ناگزیر. // مخذول: خوار، زبون گردیده. // استرحام: رحم خواستن، طلب رحم کردن. // مغلوب: شکست خورده. // بسپیل کردن: سر جانور را بریدن. // خسروانی خورش: خورش و غذای شاهانه. //

بدسیگال: بداندیش، بدخواه. // دوات: مرکب دان، جوهر. // طمأنینه: آرامش، سکون و قرار. // الزام: ضرورت، لازم گردانیدن، واجب گردانیدن. // کُمیت: اسب سرخ مایل به سیاه. // تصدیق نامه: گواهی‌نامه.

شهناز: یکی از آهنگ‌های موسیقی ایرانی، گوشه‌ای از دستگاه شور. // عتاب کردن: سرزنش کردن،

خشم گرفتن بر کسی. // دانگ: بخش، یک ششم چیزی. // صاحب دل: عارف، آگاه. // مألوف: خو گرفته. // خَلَبی: ورقه نازک فلزی از جنس حَلَب. // ضمایم: جمع ضمیمه، همراه و پیوست. // تعلیقات: جمع تعلیق، پیوست‌ها و یادداشت مطالب و جزئیات در رساله یا کتاب. // طبیعت: خو، عادت، طبع و سرشت. // حُجَب: شرم و حیا. // فَيَاض: بسیار فیض‌دهنده، بسیار بخشنده. // او ان: وقت، هنگام. // مُطَرَبی: عمل و شغل مطرب. // مُطَرَب: کسی که نواختن ساز و خواندن آواز را پیشه خود سازد. // مسخرگی: لطیفه‌گویی، دلچکی. // تکریم: گرامی‌داشت. // غَنُود: ستیزه‌کار، دشمن، بدخواه. // لَهو: بازی و سرگرمی، آنچه مردم را مشغول کند. // لَعِب: بازی. // لَهو و لَعِب: خوش‌گذرانی. // مَنجَلاب: محلّ جمع شدن آب‌های کثیف و بدبو. // مَعاصی: جمع معصیت، گناهان. // مُسکر: چیزی که نوشیدن آن مستی می‌آورد، مثل شراب. // مُنکَر: زشت، ناپسند. // تکیده: لاغر و باریک‌اندام. // لِمَن تَقُول: به چه کسی می‌گویی؟. // پَلاس: جامه‌ای کم‌ارزش، گلیم درشت و کُلُفت. // مُندرس: کهنه، فرسوده.

درک و دریافت

- ۱ بهره‌گیری از عنصر تقلید با چاشنی طنز. یکی از شیوه‌های طنزپردازی با نام «نقیضه‌پردازی» یا اقتباس از آثار ادبی. در ادبیات اروپایی به این کار «پارودی» گفته می‌شود. نقیضه‌گویی یا پارودی، گونه‌ای تقلید یا تغییر شکل عامدانه با ابزار طنز و سرگرمی برای برجسته‌سازی موضوع.
- ۲ این تمرین، فعالیت‌های دانش‌آموزی است که بر بنیاد شگرد نگارشی «اگر نویسی» استوار است. این فعالیت، زمینه بسیار مناسبی برای پرورش تفکر و تقویت توان نویسندگی به‌شمار می‌آید.